

خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن

(مطالعه‌ی موردی در دو منطقه‌ی جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان)

امیرمظفر امینی*، محمدعلی احمدی شاپورآبادی**

چکیده: هدف نوشتار حاضر که ماحصل انجام یک پژوهش میدانی از نوع پیمایشی است، مطالعه و ارزیابی خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی و عوامل اثرگذار بر آن، در دو منطقه‌ی «جلگه‌ای» و «کویری» مرکز استان اصفهان است. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد نیاز مبرم خانواده، دلیل اصلی اشتغال درصد قابل توجهی از زنان روستایی است. نتایج پژوهش همچنین مؤید این است که نزدیک به نیمی از زنان فعال در حوزه اقتصاد، دریافت کننده درآمد حاصل از دسترنج خویش نبوده، حتی برای نزدیک به دو سوم از زنانی که دریافت‌کننده‌ی تمام و یا بخشی از درآمد خود هستند نیز امکان هزینه کردن درآمدها به صورت مستقل وجود ندارد. برای زنانی که امکان هزینه کردن درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی‌شان وجود دارد، به لحاظ درجه‌ی اختیارشان در هزینه‌کرد درآمد بین سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای تفاوتی کاملاً معنی‌دار وجود دارد. سطح خوداتکایی نه چندان قابل اعتنای زنان منطقه پژوهش با سهم دریافتی آن‌ها از درآمدها رابطه‌ی مستقیم داشته؛ اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه، کارفرما بودن، داشتن فعالیت‌های اقتصادی متعدد، مزدگیری و امکان پس‌انداز از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خوداتکایی آن‌هاست.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، فعالیت‌های اقتصادی، درآمد، خوداتکایی، کویری، جلگه‌ای، اصفهان، ایران.

مقدمه

در نظریه‌های توسعه، انسان نقطه‌ی شروع تغییرهای اجتماعی محسوب می‌شود. این باور توسط آن گروه از اندیشمندان که دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار را در گرو توسعه‌ی انسانی می‌دانند، مطرح شده است. گرچه زنان، این نیمی از واقعیت، باید نیمی از نیروی فعال هر جامعه محسوب شوند و در برنامه‌های توسعه از سهم مادی و

aamini@cc.iut.ac.ir

ahshapoorabady@Gmail.com

* عضو هیئت علمی گروه توسعه‌ی روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

** دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد توسعه‌ی روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۱/۲۳

معنوی هم‌سنگ با نقش‌شان برخوردار باشند، اما از نظر اشتغال، کسب درآمد، برخورداری از تحصیلات و احراز مقام‌های اجتماعی هنوز در سطوح بسیار پایین قرار دارند (یونیسف^۱، ۱۳۷۶: ۸). در مورد زنان روستایی ایران این واقعیت شکلی مضاعف و غیر قابل انکار داشته است، چرا که در اقتصاد روستاهای این سامان، علاوه بر «نقش‌های محول» کلیدی که بر عهده دارند و در چارچوب «اقتصاد خانه» مطرح می‌شود، آن‌ها به‌عنوان عناصری نامرئی و نامشهود، بخشی عظیم از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را تشکیل می‌دهند. با وجود ارزش و اعتبار کار و فعالیت آن‌ها برای خانوار و اقتصاد جامعه، از نظر اجتماعی یا اصولاً در مقاطع تصمیم‌گیری به‌هیچ وجه نقشی متناسب و هم‌سنگ با این فعالیت‌ها نداشته‌اند و بدون هیچ شبهه‌ای باید آن‌ها را در زمره‌ی محروم‌ترین اقشار جامعه به‌شمار آورد.

اگر بپذیریم که گویاترین معرف برای سنجش برابری یا نابرابری جنسیتی، رتبه‌بندی و ارزش مقیاس توان‌مندسازی جنسیتی است، به جای‌گاه قابل تأمل ایران با رتبه‌ی ۸۷ در بین ۹۳ کشوری پی می‌بریم که امکان محاسبه‌ی این شاخص در آن‌ها ممکن بوده است. هم‌چنین وضعیت ایران در زمینه‌ی متغیرهایی نظیر شاخص تعداد کرسی‌های زنان در مجلس، در بین ۱۶۶ کشور در رتبه‌ی ۱۵۸، از نظر فعالیت آن‌ها در سطوح مدیریتی مقام ۸۲ در بین ۹۸ کشور، به لحاظ نسبت زنان متخصص به کل متخصصین رتبه‌ی ۸۵ در بین ۱۰۰ کشور جهان و از نظر نسبت درآمد زنان به مردان، مقام ۱۳۶ را در بین ۱۶۷ کشور به خود اختصاص داده است (برنامه‌ی توسعه سازمان ملل متحد^۲، ۲۰۰۷).

نادیده گرفتن سهم زنان روستایی ایران در فعالیت‌های اقتصادی خانواده، و هم‌چنین در ارزش افزوده‌ی ایجادشده در بخش کشاورزی، سبب شده است تأثیر ارزش کار آن‌ها در محاسبات ملی در نظر گرفته نشود. در مجموع و در یک جمع‌بندی کلی می‌توان برآورد کرد که زنان حداقل ۵۰ درصد و در پاره‌ای از موارد تا ۷۰ درصد نیروی کار کشاورزی کشور را تأمین می‌کنند (مهربانیان و مودنی، ۱۳۸۶: ۱۸۹)؛ در حالی که اطلاعات ارائه‌شده در سرشماری سال ۱۳۸۵ سهم زنان را در اشتغال روستایی ۱۲/۸۲ درصد می‌داند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۱۳۱). شکی نیست که به‌دلیل گسترده بودن اقتصاد معیشتی در روستاهای ایران و کاربر بودن فعالیت‌های اقتصادی در آن، زنان بسیار بیشتر از آن‌چه که مرکز آمار و دیگر منابع رسمی اعلام می‌کنند در اقتصاد روستا مشارکت دارند.

1. Unicef

2. United Nations Development Program (UNDP)

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۹

مطالعه‌های تجربی انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اشتغال پایگاه اجتماعی مشخص و توجه نسبی به به‌زیستی زنان، به‌شدت از متغیرهایی مانند توانایی زنان در کسب درآمدی مستقل، اشتغال در خارج از خانه، داشتن حقوق مالکیت و نظایر آن متأثر بوده است. بر اساس پاره‌ای از نظریه‌ها، چنان‌چه پیشرفتی در جنبه‌های عاملیت و نمایندگی صورت پذیرد- حتی در کشورهای در حال توسعه- فقدان مزیت وجودی برای زنان در مقایسه با مردان به‌شدت کاهش می‌یابد و چه بسا این مزیت‌ها به‌کلی محو شوند (سن^۳، ۱۹۹۹: ۲۰۷)؛ واقعیتی که با توجه به تحولات رخ داده در جامعه‌ی شهری کشورمان در دهه‌های اخیر، به‌خوبی قابل لمس است.

نوشتار حاضر حاصل طرحی پژوهشی است که پس از استخراج جنبه‌هایی از دستاوردهایش، در قالب نوشتاری علمی- پژوهشی منتشر شده است (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۶: ۹۱-۶۵) و شکل جامع‌تر آن در این مقاله ارائه می‌شود که از جنبه‌های متفاوت به خوداتکایی زنان روستایی حوزه‌ی پژوهش نظر دارد. این نوشتار در نخستین گام، میزان خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی دو منطقه‌ی کویری و جلگه‌ای استان اصفهان- که هر دو نیز در همسایگی مرکز استان قرار دارند- را از طریق ارزیابی میزان استقلال آن‌ها در دریافت درآمد و هزینه کردن دسترنج‌شان مطالعه می‌کند. سپس، اثر متغیرهای مستقل پژوهش که شامل سهم دریافتی زنان روستایی از درآمدشان، اشتغال آن‌ها در خارج از خانه، تعدد فعالیت، کارفرما یا مزدبگیر بودن و در نهایت حدود و اختیار امکان پس‌انداز کردن آن‌ها می‌شود را به‌عنوان شاخص‌های عمده‌ی اقتصادی برای سنجش میزان خوداتکایی آن‌ها به‌آزمون می‌گذارد.

با توجه به مطالعه‌ها و تحقیق‌های انجام شده و نظرخواهی از کارشناسان صاحب‌نظر، نگارندگان با نگاهی به تجربه‌های علمی و عملی خود این نوشتار را در قالب پاسخ‌گویی به فرضیه‌های پژوهش به‌شرح زیر سازماندهی کردند:

- نیاز مبرم خانوار دلیل اصلی زنان روستایی برای اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی است و اشتغال آن‌ها به‌فعالیت‌های متعدد اقتصادی نیز نه برای تفنّن یا تنوع‌طلبی، بلکه به‌علت ناکافی بودن درآمدشان در فعالیت نخست است.
- بخشی قابل توجه از زنان روستایی درآمد حاصل از دسترنج خود را دریافت نمی‌کنند و برای درصدی قابل اعتنا از آن‌ها، هزینه کردن درآمدشان منوط به کسب اجازه از شوهران‌شان است.

³. Sen, Amartya

- بین سهم دریافتی زنان از اشتغال اقتصادی‌شان و استقلال آن‌ها در هزینه کردن این درآمد، ارتباطی مستقیم و معنادار وجود دارد.
- از نظر درجه‌ی استقلال در هزینه کردن، بین زنان روستایی شاغل در خارج از خانه با زنان شاغل در فعالیت‌های اقتصادی در درون خانه تفاوتی معنادار وجود دارد.
- استقلال زنان روستایی در هزینه کردن درآمدهای‌شان، با تعدد فعالیت اقتصادی، کارفرما یا مزدبگیر بودن آن‌ها رابطه‌ای معنادار دارد.
- زنان روستایی که اختیار و امکان پس‌انداز درآمد خود را دارند، در مقایسه با زنانی که از این امکان محرومند از درجه‌ی استقلال بیشتری در هزینه‌کرد درآمدهای‌شان برخوردارند.

مبانی نظری

دیدگاه‌ها و درک متفاوت انسان‌ها نسبت به نقش و مشارکت‌های فردی یا اجتماعی، و تناسبِ برخورداری آن‌ها از استحقاق‌شان در تقسیم منافع مشترک خانواده بین زنان و مردان نقشی عمده دارد (اکین^۴، ۱۹۸۹، دریز^۵ و سن، ۱۹۸۹ و ناس‌باوم^۶، ۱۹۹۵). شرایطی که در شکل‌گیری دیدگاه‌های موجود نسبت به نقش‌ها، مشارکت‌ها و استحقاق‌های مناسب مانند توانایی زنان در کسب درآمد مستقل، کار کردن در خارج خانه، تملک دارایی‌ها و برخورداری آن‌ها از آموزش حاکم بوده یا هست، بر چگونگی این تقسیم‌بندی‌ها تأثیری مهم گذاشته است. در واقع، شرایط حاکم بر این دیدگاه‌هاست که می‌تواند پایگاه و منزلت اجتماعی و نیز به‌زیستی زنان را تحت تأثیر متغیرهایی چون توانایی زنان در کسب درآمدی مستقل، یافتن اشتغال در خارج از خانه، داشتن حقوق مالکیت، سواد و نظایر آن قرار دهد. به همین دلیل شاید نزدیک‌ترین استدلال برای تمرکز بر عاملیت زنان، دقیقاً نقشی باشد که چنین عملیتی می‌تواند در رفع بی‌عدالتی‌های از بین‌برنده به‌زیستی زنان ایفا کند. باید پذیرفت که این جنبه‌های گوناگون - که در آغاز هم شاید بسیار متنوع و نامتجانس به‌نظر رسد - دارای سهم و نقشی یک‌پارچه مثبت و مشترک در قوت بخشیدن به عاملیت یا نمایندگی زنان از طریق استقلال و توان‌بخشی در قدرت دادن به آن‌هاست. این نقش را باید با این حقیقت در ارتباط دانست که کسب

4. Okin

5. Dreze

6. Nussbaum

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۱۱

قدرت توسط زنان در زمینه‌ی استقلال اقتصادی و آزادی اجتماعی می‌تواند تأثیراتی بسیار گسترده بر نیروها و اصول سازمان‌دهنده‌ای که در تقسیم‌بندی‌های درون خانواده و جامعه حاکمیت دارند، داشته باشد. مخصوصاً این که چنین تأثیری، بر آن چه که به‌طور ضمنی به‌عنوان استحقاق زنان پذیرفته شده است، نفوذ و تأثیری ملموس خواهد داشت (سن، ۱۹۹۹: ۲۰۹ و ۲۱۷). درحقیقت، تقویت توان‌مندی‌های زنان یکی از موضوع‌های محوری در فرایند توسعه برای بسیاری از کشورهاست. عوامل دخیل در موضوع، شامل: آموزش زنان، الگوی مالکیت آن‌ها، فرصت‌های اشتغال آن‌ها و کارکردهای بازار کار است. اما با فراتر رفتن از این متغیرها، عواملی دیگر مانند ترتیبات اشتغال، طرز تلقی‌های خانواده و جامعه نسبت به فعالیت‌های زنان و شرایط اقتصادی و اجتماعی در این ارتباط مؤثر تشخیص داده می‌شود (سن: ۱۹۹۹، ۲۱۸).

روی کرد جنسیت در توسعه بر این باور پافشاری می‌کند که ترکیب زنان در فرایند توسعه، در فضایی جدا از مردان و فارغ از روابط اجتماعی این دو گروه تحقق نخواهد یافت. در قالب سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر نظریه‌های جنسیتی، در سال‌های اخیر برنامه‌ها و پروژه‌هایی بسیار با هدف درک و حل آن چه که مسئله‌ی زنان نامیده می‌شود، طراحی شده است. در این نظریه‌ها، به موازاتی که از انگاره‌ی تک‌نقشی زنان، به انگاره‌های دونقشی و بلکه چندنقشی و از ملاحظات کاربردی به‌سمت ملاحظات راهبردی پیش رویم، به‌ترتیب از نظریه‌های سیاست‌گذاری رفاه، برابری، فقرزدایی و کارآیی به تواناسازی می‌رسیم (پژوهشکده‌ی زنان، ۱۳۸۱: ۱۳). به‌نظر می‌رسد که هر کدام از این نظریه‌ها از جنبه‌هایی گوناگون در صدد ارتقای عاملیت زنان - به‌ویژه زنان روستایی - برای دستیابی به استحقاق‌های‌شان است. مادامی که زنان روستایی، با وجود نقشی مهم که در چرخه‌ی اقتصاد خانوار و جامعه دارند، نتوانند از طریق عواملی نظیر آموزش، کسب درآمد، مالکیت بر منابع و امکان پس‌انداز کردن به سطحی از توسعه‌ی فردی دست‌یابند که به آن‌ها امکان انتخاب بر اساس خواست‌های‌شان داده شود و تا زمانی که زمینه‌های امکان‌گسترش توانایی‌های‌شان به‌وجود نیامده است و به درجه‌ای از توان‌مندسازی در جهت تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع در راستای کسب خوداتکایی قابل قبول و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها نایل نگردند، این نقش‌های خاموش و این بازیگران پنهان در جوامع روستایی به جای‌گاهی که منزلت انسانی درخور آن است دست نخواهند یافت. بدون هیچ شبیه‌ای، پوشیده ماندن واقعیت و اهمیت کار زنان در اقتصاد جامعه‌ی روستایی، باید از جمله عوامل سبب‌ساز در برخورداری نبودن آن‌ها از

نتایج به دست آمده در برنامه‌های توسعه و مانعی جدی برای بروز شایستگی‌ها و توان‌مندی‌های آن‌ها تلقی شود؛ موضوعی که چارچوب نظری این نوشتار بر آن نهاده شده است.

جایارامان^۷ با مروری بر وضعیت جای‌کاران در کشت‌زارهای سریلانکا نشان می‌دهد زنانی که با مشارکت مستقیم در مزارع از درآمدی نسبتاً خوب برخوردارند، در اکثر تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی نیز طرف مشورت همسران‌شان قرار می‌گیرند (جایارامان، ۱۹۷۹: ۱۳۴).

نانا فابا^۸ اعلام می‌کند که بیشتر زنان کامرونی از نظر اقتصادی به شوهران خود وابسته‌اند و این وابستگی از زمان مستعمره شدن این کشور بیشتر شده است. او نشان می‌دهد که دسترسی محدود زنان به منابعی نظیر آموزش و وام‌های بانکی باعث شده است که وابستگی آن‌ها به مردان بیشتر شود و این به انحطاط موقعیت اقتصادی آنان منجر شده است. از نظر او اکثر زنان کامرونی، صرف‌نظر از سطح تحصیلات، خود را در حوزه‌های اقتصادی در موقعیتی بسیار نامناسب می‌یابند که نمی‌توانند از هیچ مزیتی بهره‌مند شوند. او می‌گوید که زنان روستایی کامرونی که سهم اشتغال‌شان در بخش کشاورزی ۵۵/۶ درصد است، در بخش‌های مختلف اقتصادی و به‌ویژه در بخش کشاورزی جای‌گاهی خاص و در کمک به شوهران‌شان برای تأمین مخارج خانوار نقشی مهم و کلیدی به‌عهده دارند (نانا فابا، ۲۰۰۶: ۱۶۱).

در ارتباط با اهمیت بعد اقتصادی کار زنان در جوامع روستایی کشورمان، امینی معتقد است که از روزگاران گذشته تاکنون این واقعیت در جامعه‌ی مردسالار ایران حاکم بوده است که بدون مشارکت فعال زنان، اگر اقتصاد روستا و خانوارهای آن با تعطیلی روبه‌رو نمی‌شد، پیوسته با جدی‌ترین چالش‌ها درگیر می‌بود (امینی، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

وارثی و همکاران نیز بر این واقعیت مهر تأیید زده‌اند که مهم‌ترین دلیل اشتغال زنان در جوامع روستایی یزد، نیاز اقتصادی آن‌هاست (وارثی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۸). همچنین نتایج پژوهش طالبی‌فر نشان می‌دهد که هر چه نیازهای مالی خانواده بیشتر باشد به همان میزان تمایل زنان به اشتغال بیشتر است و هر چه برخورداری از استقلال مالی برای زنان اهمیتی بیشتر داشته باشد تمایل آن‌ها به اشتغال نیز بیشتر می‌شود (طالبی‌فر، ۱۳۸۲: ۲۰۳).

7. Jayaraman

8. Nana-Fabu, Stella

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۱۳

کردی نیز بر این باور است که اصولاً زنان استقلال مالی را یکی از متغیرهای عمده برای امنیت زندگی فردی خود می‌دانند و با همه‌ی موانعی که بر سر راه مشارکت اقتصادی‌شان وجود دارد، پیوسته گرایش‌شان به کار خارج از خانه رو به افزایش بوده است. او می‌گوید که علت اصلی اشتغال به کار خارج از خانه‌ی زنان، فایده‌ی آن در استقلال مالی و سپس درک بهتر از مسایل اجتماعی و افزایش اعتمادبه‌نفس است (کردی، ۱۳۸۱: ۲۳۷). لهسایی‌زاده و همکارانش در پی پژوهش انجام‌شده در مناطق روستایی استان فارس به این نتیجه رسیده‌اند که هر چه آگاهی زنان نسبت به وضعیت خود و هم‌جنس‌شان بیشتر شود، نگرش‌شان در قبال حضور در عرصه‌های اقتصادی مثبت‌تر و مشارکت آن‌ها در امور اقتصادی بیشتر می‌شود و به تدریج موانع را از پیش‌روی خود برخواهند داشت (لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

بر اساس یافته‌های پژوهشی میدانی که برای ارزیابی حدود و اختیارات زنان روستایی شهرستان خمین در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی انجام شده است، نشان می‌دهد که امکان اشتغال به کار دست‌مزدی در خارج از خانه برای زنان، سبب ایجاد انگیزه‌ای بالا برای حضور جدی‌تر آن‌ها در عرصه‌های تصمیم‌گیری می‌شود. در مقابل، فرهنگ سنتی حاکم بر این منطقه و فقدان دسترسی زنان به عوامل تولید مانند زمین، تسهیلات و تکنولوژی دلایلی عمده است که باعث می‌شود تا زنان در اکثر تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار نباشند (حمزه‌لو، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

خانی در پی انجام پژوهش خود در منطقه‌ی بندپی شرقی مازندران بیان می‌کند که با وجود نقش چشم‌گیر زنان در مراحل مختلف کار تولید کشاورزی - که به‌ویژه در نبود همسران‌شان دوچندان می‌شود - نقش‌شان در تصمیم‌گیری‌ها و در مدیریت امور تولید چندان چشم‌گیر نیست. (خانی، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۴). در ارتباط با درآمد زنان روستایی و اثر آن بر خوداتکایی آن‌ها، امینی و رضانی پژوهشی انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که در مجموع، کار زنان روستایی تأثیری قابل توجه در میزان استقلال آن‌ها در هزینه کردن درآمدشان نداشته است، اما با افزایش سهم درآمد دریافتی زنان روستایی از کارشان، استقلال آن‌ها در هزینه کردن دسترنج‌شان افزایش می‌یابد (امینی و رضانی، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

یافته‌های پژوهش ارجلو در شهرستان اصفهان نیز نشان می‌دهد که افزایش میزان آگاهی زنان از حقوق مدنی خویش به افزایش سهم مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و فردی - خانوادگی منجر می‌شود. او معتقد است که اشتغال در یک فعالیت درآمدزا و دریافت مستقیم درآمد توسط زنان از جمله عوامل اقتصادی است که بر آگاهی آن‌ها اثر مثبت و معنی‌دار دارد (ارجلو، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

روش تحقیق

اساس جمع‌آوری داده‌های میدانی پژوهش، بر روش پیمایشی نهاده شده است. متغیرهای مستقل این تحقیق، سهم دریافتی از درآمدها، اشتغال در خارج از خانه، تعدد فعالیت، کارما بودن، مزد بگیری و در نهایت توانایی پس‌انداز کردن زنان روستایی است. متغیر وابسته پژوهش نیز خوداتکایی اقتصادی و به عبارتی میزان استقلال زنان روستایی در هزینه کردن درآمدها است

مقصود از استقلال مالی «خوداتکایی فرد و بی‌نیازی او به دیگران برای تهیه و تدارک مایحتاج زندگی است» (بیرو، ۱۳۷۰). یونیسف نیز خوداتکایی را «توانا ساختن شخص برای دستیابی به منابع و پیشرفت‌های مادی در چارچوب جامعه‌ی موجود» می‌داند (دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونیسف ۱۳۷۶: ۱۴). در مطالعه‌ی حاضر، خوداتکایی اقتصادی^۹ آن است که «شخص دارای اشتغال اقتصادی باشد، توانایی ایجاد کسب درآمد داشته باشد و متناسب با این توانایی در تصمیم‌گیری‌های اساسی اقتصادی خانواده مشارکت کند و حداقل در هزینه کردن درآمد، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز آن دارای اختیار باشد». مقصود از نقش تولیدی زنان^{۱۰} نیز «فعالیت‌های تولیدی نظیر تولید محصولات کشاورزی، دامی، صنایع دستی، کار دست‌مزدی و نظایر آن است که از نظر اقتصادی برای خانوار و اجتماع بازده داشته باشد» (یونیسف، ۱۳۷۶: ۱۴). در این پژوهش هرگونه شغل یا فعالیتی که منجر به کسب درآمد برای زنان شود، دارای نقش تولیدی در نظر گرفته شده است.

برای سنجش متغیر خوداتکایی، از طیف لیکرت که مقیاس رتبه‌بندی مجموعی است با استفاده از شاخص‌هایی گوناگون مانند دریافت یا دریافت نکردن درآمد و میزان استقلال در هزینه کردن آن استفاده شده است.

محدوده‌ی مطالعاتی و جامعه‌ی آماری:

در دل هدف اصلی این پژوهش که ارزیابی خوداتکایی زنان روستایی است، نیم‌نگاهی نیز به یک ارزیابی تطبیقی علمی شده است و به همین دلیل جامعه‌ی آماری پژوهش از بین زنان روستایی متأهل ساکن بین دو منطقه‌ی کویری و جلگه‌ای مرکز استان اصفهان انتخاب شدند. این دو شهرستان به دلیل ویژگی‌ها و شاخص‌های متفاوت جمعیتی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۸۰) و نیز

^۹ Self-Reliance

^{۱۰} Women Productive Role

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۱۵

خصوصیت‌های متفاوت جغرافیایی، پس از مطالعه‌های گسترده و رایزنی با صاحب‌نظران، یکی به‌عنوان نماینده‌ی منطقه‌ی کویری و دیگری به‌عنوان معرف منطقه‌ی جلگه‌ای در مرکز استان برگزیده شدند.

تعیین حجم نمونه و روش نمونه‌گیری:

از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای و مرحله‌ای و با استفاده از فرمول عمومی کوکران^{۱۱} حجم نمونه ۳۷۵ نفر برآورد شد. پس از تقسیم شهرستان‌ها به بخش و دهستان، روستاهای هر دهستان به‌ترتیب به روستاهای بسیار بزرگ با جمعیت بیش از ۵۰۰ خانوار، بزرگ با جمعیت بین ۲۰۰ تا ۴۹۹ خانوار، متوسط با جمعیت بین ۵۰ تا ۱۹۹ خانوار و کوچک با جمعیت کمتر از ۵۰ خانوار طبقه‌بندی شدند. پس از مطالعه‌ی لازم و با توجه به شرایط منطقه و میزان تجانس روستاها، در نهایت ۲۰ روستا به‌عنوان نمونه در دو منطقه انتخاب شدند. سپس با تخصیص متناسب حجم نمونه در هر طبقه و در سطح دو منطقه، تعداد روستاهای هر طبقه و تعداد نمونه در هر روستا به روش سیستماتیک مشخص و با توجه به حجم نمونه‌ی اختصاص یافته به هر طبقه و با استفاده از رابطه‌ی $n_i = \frac{N_i}{\sum N_i} \times n$ ، تعداد نمونه‌ی هر روستا تعیین شد.

روش و تکنیک تحقیق:

با توجه به شیوه‌ی پیمایشی پژوهش، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته استفاده شد. با مطالعه‌ی مقدماتی مناطق و مطالعه‌ی پاره‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده، این نتیجه به‌دست آمد که استفاده از سؤال‌های با پاسخ بسته در قالب طیف‌بندی لیکرت مناسب‌ترین شکل برای تدوین پرسش‌نامه است، ضمن آن‌که در مواردی و به اقتضای موضوع، از سؤال‌های با پاسخ باز نیز استفاده شد. پس از انجام یک مطالعه‌ی راهنما، به‌منظور اطمینان از پایداری و اعتبار مفاهیم و گویه‌های به‌کاررفته در پرسش‌نامه، گویه‌هایی با پایایی ضعیف از پرسش‌نامه حذف شد. در نتیجه، آلفای کل طیف بالغ بر ۰/۸ شد که نشان‌دهنده‌ی اعتبار بالای پرسش‌نامه است.

روش‌های تجزیه و تحلیل:

با توجه به سطح سنجش متغیرها (ترتیبی-ترتیبی) و به‌علت محدود بودن طبقات آن‌ها، برای آزمون استقلال بین متغیرها از آماره‌های گاما و تاو استفاده گردید (دواس، ۱۳۷۶: ۱۹۵-۱۹۴ و ۱۷۰). اما به‌علت این‌که اصولاً آماره گاما روابط دو متغیر را بیش از آن چیزی نشان می‌دهد که هست، در کاربرد این شاخص با احتیاط و دقت نظر عمل شد (ساعی، ۱۳۷۷: ۱۵۰). در این پژوهش برای افزایش دقت و رعایت احتیاط

¹¹. Cochran

علمی و با توجه به طبقات متغیرها از ضریب کندال C نیز استفاده شد. به علاوه، در زمینه‌ی شناخت فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی و میزان خوداتکایی آن‌ها، از آزمون برابری نسبت‌ها و برای همگونی زمینه‌ها و چگونگی هزینه کردن، از آزمون همگونی (داوس، ۱۳۷۶؛ فرشادفر، ۱۳۷۹: ۵۲۴) و در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها نیز از دو نرم‌افزار اسپس‌اس‌امینو تب (Spss&Minitab) استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش از نوشتار به دلیل محدودیت فضای تخصیصی صرفاً، به چگونگی اختیار و درجه‌ی استقلال زنان شاغل روستایی پهنه‌ی پژوهش توجه می‌کنیم و سپس فرضیه‌های پژوهش را به آزمون خواهیم گذارد.

هزینه کردن درآمد و خوداتکایی زنان روستایی

پس از طبقه‌بندی داده‌های توصیفی مربوط به سرفصل‌های هزینه‌ای در زمینه‌هایی که زنان درآمد خود را در آن صرف می‌کنند در سه طیف، برای مطالعه‌ی یکسانی ترکیب هزینه کردن زنان در زمینه‌های مورد توجه در پژوهش، آزمون همگونی خی‌دو، به شرح جدول (۱) محاسبه شد. چنانچه مشاهده می‌شود مقدار آماره مجذور خی دو محاسبه شده ($X^2=152/144$)، از مجذور کای بحرانی $9/54$ با درجه‌ی آزادی ۲۲ و احتمال خطای نوع اول کمتر از $0/01$ بزرگ‌تر است. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد به این نتیجه می‌رسیم که ترکیب سهم هزینه‌کرد زنان روستایی در سرفصل‌های گوناگون یکسان نیست.

جدول (۱) توزیع فراوانی هزینه‌کرد درآمد حاصل از دست‌رنج فعالیت اول زنان روستایی به تفکیک سرفصل هزینه

سهم اختصاصی از درآمد	زیاد تا خیلی زیاد		نیمی		کمی تا هیچ		جمع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
زمینه‌های مورد هزینه							
پوشاک	۱۳	۳/۵	۲۵	۶/۶	۳۳۷	۸۹/۹	۳۷۵
مواد غذایی	۱۰	۲/۷	۴۹	۱۳/۱	۳۱۶	۸۴/۲	۳۷۵
خرید لوازم منزل	۱۰	۲/۷	۱۹	۵	۳۴۶	۹۲/۳	۳۷۵
مسافرت، سیاحت و زیارت	۴	۱/۱	۱۸	۴/۸	۳۵۳	۹۴/۱	۳۷۵
تحصیلی و آموزشی	۸	۲/۱	۱۶	۴/۳	۳۵۱	۹۳/۶	۳۷۵
ازدواج فرزندان	۱	۰/۳	۲۸	۷/۵	۳۴۶	۹۲/۲	۳۷۵
جهیزیه‌ی فرزندان	۳۰	۸	۴۵	۱۲	۳۰۰	۸۰	۳۷۵
زیورآلات و طلا	۱۳	۳/۵	۴۸	۱۲/۸	۳۱۴	۸۳/۷	۳۷۵
پس‌انداز	۲۴	۶/۴	۵۲	۱۳/۹	۲۹۹	۷۹/۷	۳۷۵
سرمایه‌گذاری در شغل مربوطه یا مشاغل دیگر	۱۰	۲/۷	۲۷	۷/۲	۳۲۸	۹۰/۱	۳۷۵
مسکن	۱۴	۳/۷	۱۷	۴/۵	۳۴۴	۹۱/۷	۳۷۵
سایر	۷	۱/۹	۱۳	۳/۵	۳۵۵	۹۴/۶	۳۷۵

$$X^2=152/144$$

$$\text{Sig} = 0/000$$

$$df = 22$$

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۱۷

داده‌های جدول (۲) سطح اختیار زنان روستایی در هزینه کردن درآمدهای حاصل از دست‌رنج شغل نخست‌شان و چگونگی توزیع این درآمد را بین سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای نشان می‌دهد. بدیهی است زنانی که هیچ سهمی از درآمد خود را در زمینه‌های مورد اشاره هزینه نکرده‌اند، در جمع کل نیامده‌اند بنابراین نه در شکل مستقل و نه در حالت نظارت‌شده محاسبه نشده‌اند. داده‌های جدول ۳ و نتایج حاصل از آزمون همگونی خی‌دو ($X^2 = 448/902, Sig = 0/000$) نشان می‌دهد که اختیار زنان روستایی در هزینه کردن درآمدهای بین اقلام مختلف هزینه‌ای متفاوت است. به عبارتی؛ با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان پذیرفت که هم به صورت مستقل و هم با نظارت و اجازه‌ی شوهر، اختیار زنان روستایی حوزه‌ی پژوهش با سرفصل و به عبارتی با نوع هزینه ارتباط دارد.

جدول (۲) توزیع فراوانی میزان استقلال و اختیار زنان روستایی در هزینه کردن درآمد حاصل از فعالیت اقتصادی نخست‌شان در سرفصل‌های گوناگون

جمع درصد	کمی تا هیچ		نیمی		زیاد تا خیلی زیاد		آزاد و مستقل بودن در هزینه کردن زمینه‌های مورد هزینه	
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد		
۱۰۰	۳۷۹	۳۹	۸۱	۳۴/۸	۹۷	۳۶/۲	۱۰۱	پوشاک
۱۰۰	۲۵۶	۴۵/۳	۹۰	۲۱/۹	۸۲	۳۲/۸	۸۴	مواد غذایی
۱۰۰	۲۱۱	۴۶	۹۷	۳۴/۱	۷۲	۱۹/۹	۴۲	خرید لوازم منزل
۱۰۰	۱۸۵	۷۸/۴	۱۴۵	۱۴/۶	۲۷	۷	۱۳	مسافرت، سیاحت و زیارت
۱۰۰	۱۷۶	۴۲	۷۴	۳۲/۴	۵۷	۲۵/۶	۴۵	تحصیل و آموزش
۱۰۰	۱۰۸	۵۹/۲	۶۴	۲۷/۸	۳۰	۱۳	۱۴	ازواج فرزندان
۱۰۰	۱۶۹	۴۲/۶	۷۲	۳۳/۷	۵۷	۲۳/۷	۴۰	جهیزیه‌ی فرزندان
۱۰۰	۲۱۴	۱۲/۶	۲۹	۲۷/۱	۵۸	۵۹/۳	۱۲۷	زیورآلات و طلا
۱۰۰	۲۰۲	۲۵/۸	۵۲	۲۷/۲	۵۵	۴۷	۹۵	پس‌انداز
۱۰۰	۱۶۲	۲۵/۳	۴۱	۲۰/۴	۳۳	۵۴/۳	۸۸	سرمایه‌گذاری در شغل مربوطه و یا مشاغل دیگر
۱۰۰	۵۹	۸۹/۸	۵۳	۱/۷	۱	۸/۵	۵	مسکن
۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۴۰	۰	۰	۰	۰	سایر

$$X^2 = 448/902 \quad df = 22 \quad Sig = 0/000$$

داده‌های مربوط به میزان استقلال زنان روستایی در هزینه کردن درآمد فعالیت دوم اقتصادی‌شان و چگونگی توزیع این درآمد بین سرفصل‌های گوناگون هزینه‌ای که به منظور رعایت اختصار از ذکر جداول آن صرفه نظر گردیده، نشان می‌دهد که مقدار مجذور کای محاسبه‌شده برای سرفصل‌های مختلف هزینه (۳۸۷/۸۳) و مقدار آن برای چگونگی هزینه کردن و به عبارتی میزان استقلال در هزینه کردن ($X^2 = 229/554$)، از مجذور کای بحرانی ۹/۵۴ با درجه‌ی آزادی ۲۲ و احتمال خطای نوع اول که کمتر از ۰/۰۱ است، بزرگ‌تر است. با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان پذیرفت که برای زنان روستایی، سرفصل‌های

موضوعی هزینه‌ها و میزان استقلال در هزینه کردن درآمد حاصل از فعالیت دوم‌شان نیز یکسان نیست. بنابراین، این نتیجه‌ی علمی قابل ادعاست که در مقوله‌ی اختیار و چگونگی هزینه کردن بخشی از درآمد در هر دو فعالیت اول و دوم زنان روستایی شغل اصلی و فرعی- بین سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای با میزان استقلال در هزینه کردن اختلافی معنادار وجود دارد. در واقع اختیار زنان روستایی در هزینه کردن درآمدهای-شان در سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای متفاوت است. در درجه‌ی استقلال زنان روستایی در هزینه کردن درآمدها در سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای نیز هیچ‌گونه همگونی به چشم نمی‌آید.

به‌منظور آگاهی از چگونگی تخصیص درآمد بین سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای و با استفاده از میانگین داده‌ها که در جدول ۲ نشان داده شده است به این نتیجه می‌رسیم که سرفصل «جهیزیه‌ی فرزندان»، «پس‌انداز»، «زیورآلات و طلا»، «مواد غذایی» و «پوشاک»، بالاترین سهم از هزینه کردن درآمد زنان را به‌خود اختصاص داده است. در مورد چگونگی تخصیص درآمد فعالیت نخست بین سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای نیز از بین دوازده زمینه‌ی تفکیک‌شده، بیشترین اختیار در هزینه کردن به‌ترتیب مربوط به «زیورآلات، طلا و اشیاء قیمتی»، «سرمایه‌گذاری در شغل مربوطه یا مشاغل دیگر»، «پس‌انداز» و «پوشاک» بوده است. در مورد فعالیت دوم نیز بیشترین سهم هزینه کردن به‌ترتیب اختصاص به «جهیزیه‌ی فرزندان»، «پس‌انداز»، «زیورآلات، طلا و اشیاء قیمتی»، «سرمایه‌گذاری در شغل مربوطه یا مشاغل دیگر» و «مواد غذایی» یافته است. درحالی‌که بر پایه‌ی داده‌های جدول ۳، از بین دوازده سرفصل هزینه بیشترین میزان استقلال و اختیار در هزینه کردن درآمد نزد زنان روستایی مورد مطالعه در فعالیت دوم مانند فعالیت نخست به‌ترتیب مربوط به زمینه‌های «زیورآلات، طلا و اشیاء قیمتی»، «سرمایه‌گذاری در شغل مربوطه یا مشاغل دیگر»، «پس‌انداز» و «پوشاک» بوده است. نتایج تفصیلی این یافته‌ها در جدول ۳ آمده است

جدول (۳) مقایسه میزان هزینه‌کرد و استقلال در هزینه کردن درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی

زنان روستایی در زمینه‌های مورد هزینه

فعالیت دوم اقتصادی		فعالیت اول اقتصادی		زمینه‌های مورد هزینه
میانگین نمره در استقلال در هزینه کردن	میانگین نمره در هزینه کردن	میانگین نمره در استقلال در هزینه کردن	میانگین نمره در هزینه کردن	
۱/۹۰۸	۱/۰۹۷	۲/۰۷۲	۱/۱۳۶	پوشاک
۱/۸۸۲	۱/۱۲۱	۱/۹۷۶	۱/۱۸۴	مواد غذایی
۱/۶۲۵	۱/۰۵۴	۱/۷۳۹	۱/۱۰۴	خرید لوازم منزل
۱/۱۵۶	۱/۰۴۸	۱/۲۸۶	۱/۰۶۹	مسافرت، سیاحت و زیارت
۱/۲۳۹	۱/۰۳۶	۱/۸۳۵	۱/۰۸۵۳	تحصیلی و آموزشی
۱/۵۵۸	۱/۰۶۷	۱/۵۳۷	۱/۰۸۰	ازدواج فرزندان

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۱۹

ادامه‌ی جدول (۳) مقایسه میزان هزینه کرد و استقلال در هزینه کردن درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در زمینه‌های مورد هزینه

فعالیت دوم اقتصادی		فعالیت اول اقتصادی		زمینه‌های مورد هزینه
میانگین نمره در استقلال در هزینه کردن	میانگین نمره در هزینه کردن	میانگین نمره در استقلال در هزینه کردن	میانگین نمره در هزینه کردن	
۱/۸۹۲	۱/۱۸۸	۱/۸۱۰	۱/۲۸	جهیزیه‌ی فرزندان
۲/۲۹۶	۱/۱۶۴	۲/۴۵۸	۱/۱۹۷	زیورآلات و طلا
۲/۰۱۹	۱/۲۳۰	۲/۲۱۳	۱/۲۶۷	پس اندز
۲/۱۹۵	۱/۱۲۷	۲/۲۹۰	۱/۱۲۵	سرمایه‌گذاری در شغل مربوطه یا مشاغل دیگر
۱	۱/۰۴۲	۱/۱۸۶	۱/۱۲۰	مسکن
۱	۱/۰۱۲	۱	۱/۰۷۲	سایر

(کمی تا هیچ: ۱، نیمی: ۲، زیاد تا خیلی زیاد: ۳)

آزمون فرضیه‌ها:

با استفاده از آزمون برابری نسبت‌ها، فرضیه‌ی نخست پژوهش «نیاز مبرم خانوار دلیل اصلی زنان روستایی برای اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی است و اشتغال آن‌ها به فعالیت‌های متعدد اقتصادی نیز نه برای تقنن یا تنوع‌طلبی بلکه به علت ناکافی بودن درآمدشان در فعالیت نخست است»، سنجیده شده است. داده‌های جدول ۴ که محاسبه‌ی آزمون نسبت‌ها را در سه منطقه‌ی پژوهش به اختصار نشان می‌دهد، بیان‌گر آن است که در منطقه‌ی کویری ۹۷ درصد در منطقه‌ی جلگه‌ای ۹۲ درصد و در مجموع، ۹۴ درصد از نمونه‌ها نیاز مبرم خانوار را دلیل اصلی برای فعالیت اقتصادی خود دانسته، با اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰)، فرضیه‌ی نخست پژوهش تأیید می‌شود.

جدول (۴) نتایج آزمون برابری نسبت دلایل اشتغال

ارتباط عوامل	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری	منطقه‌ی مورد مطالعه
دلیل اشتغال - نیاز مبرم مالی	۰/۹۴	۰/۰۰۰**	۳
	۰/۹۲	۰/۰۰۰**	۲
	۰/۹۷	۰/۰۰۰**	۱

۳، ۲ و ۱ به ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه‌ی جلگه‌ای و منطقه‌ی کویری. ** معنادار در سطح ۱ درصد.

نتایج تحقیق امینی، وارثی و همکاران، طالبی فر و شادی طلب نیز با نتایج این پژوهش هم‌جهت است و نشان می‌دهد که هر چه نیازهای مالی خانواده بیشتر باشد به همان میزان تمایل زنان به انجام فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود.

جدول (۵) نتایج آزمون برابری نسبت، عوامل مؤثر در چند فعالیتی شدن

ارتباط عوامل	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری	منطقه‌ی مورد مطالعه
پایین بودن اطمینان به تداوم کار و درآمد در فعالیت نخست	۰/۹۵	* /۰۰۰۰	۳
	۰/۹۵	* /۰۰۰۰	۲
	۰/۹۴	* /۰۰۰۰	۱
اجبار به علت نیاز مبرم مالی	۰/۹۵	* /۰۰۰۰	۳
	۰/۹۴	* /۰۰۰۰	۲
	۰/۹۶	* /۰۰۰۰	۱

۳، ۲ و ۱ به ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه جلگه‌ای و منطقه کویری. * معنادار در سطح ۱ درصد

نتایج آزمون برابری نسبت‌های عوامل مؤثر بر «چندفعالیتی شدن زنان روستایی» دومین موضوع مطرح در نخستین فرضیه‌ی پژوهش در جدول (۵) نشان داده شده و مبین این است که در کل منطقه‌ی پژوهش و در سطح معناداری ۱ درصد، افزون بر ۹۴ درصد از جامعه‌ی آماری، موضوع «پایین بودن اطمینان به تداوم کار و درآمد در فعالیت نخست» و همچنین «اجبار به علت نیاز مبرم مالی» را دو دلیل اصلی و مؤثر در چندفعالیتی بودن خود ذکر کرده‌اند. به همین دلیل این نتیجه قابل ادعاست که اشتغال زنان روستایی مورد مطالعه به فعالیت‌های دیگر اقتصادی به دلیل ناکافی بودن درآمدها در فعالیت نخست (اجبار به جهت نیاز مبرم مالی و پایین بودن اطمینان به تداوم کار و درآمد در یک فعالیت) بوده است. از نظر اجبار به علت نیاز مبرم مالی، نتایج تحقیق طالبی فر به نوعی تأییدکننده‌ی یافته‌های این بخش از فرضیه‌ی نخست این پژوهش است.

جدول (۶) نتایج آزمون برابری نسبت، عوامل غیر مؤثر در چندفعالیتی شدن

ارتباط عوامل	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری	منطقه‌ی مورد مطالعه
ایجاد رضایت و خسته نشدن به دلیل تنوع در چند کار	۰/۸۷	* /۰۰۰۰	۳
	۰/۸۳	* /۰۰۰۰	۲
	۰/۹۴	* /۰۰۰۰	۱
برای تفنن	۰/۹۳	* /۰۰۰۰	۳
	۰/۹۱	* /۰۰۰۰	۲
	۰/۹۶	* /۰۰۰۰	۱

۳، ۲ و ۱ به ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه جلگه‌ای و منطقه کویری. * معنادار در سطح ۱ درصد.

داده‌های جدول ۶ نیز عوامل غیرمؤثر در چندفعالیتی شدن زنان روستایی منطقه‌ی پژوهش را نشان می‌دهد. با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان مدعی شد که برای ۸۷ درصد از جامعه‌ی آماری دو منطقه و برای ۸۳ درصد از منطقه‌ی جلگه‌ای و نیز برای ۹۴ درصد از منطقه‌ی کویری، متغیر «وجود تنوع در چند کار» در

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۲۱

چندفعالیتی شدن زنان روستایی در سطح معناداری ۱ درصد بی‌تأثیر بوده است. «عامل تفنن» نیز برای بیش از ۹۰ درصد از جامعه‌ی آماری پژوهش، در سطح معناداری ۱ درصد، به‌عنوان عاملی بر چندفعالیتی بودن نمونه‌ها بی‌اثر بوده است، بنابراین با اطمینان می‌توان این بخش از فرضیه‌ی نخست پژوهش را نیز تأیید کرد؛ دستاوردی که با نتایج مطالعه‌های پژوهشی وارثی و همکاران، طالبی‌فر و امینی و رضانی هم‌سویی دارد.

دومین فرضیه‌ی پژوهش بر این باور تنظیم شده است که «بخشی قابل توجه از زنان روستایی، درآمد حاصل از دسترنج خود را دریافت نمی‌کنند، درصدی قابل اعتنا از آن‌ها نیز اجازه‌ی هزینه کردن درآمد خود را ندارند». داده‌های جدول ۷ و نتایج آزمون‌های مندرج در آن بیان‌گر این است که در مجموع دو منطقه و در منطقه‌ی جلگه‌ای با سطح معناداری ۱ درصد، این بخش از فرضیه تأیید شده است که درصدی بالا از زنان روستایی درآمد حاصل از دسترنج خود را دریافت نمی‌کنند، اما این موضوع با سطح معناداری (۰/۲۰۰) و نسبت مشاهده‌شده‌ی (۰/۴۲) در منطقه کویری تأیید نمی‌شود. از سوی دیگر، متغیر فقدان امکان هزینه کردن درآمد به‌صورت مستقل برای ۶۳ درصد از زنان روستایی در مجموع دو منطقه و ۶۴ درصد در منطقه‌ی جلگه‌ای در سطح اطمینان ۹۹ درصد و برای ۵۹ درصد از زنان روستایی منطقه‌ی کویری با فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

جدول (۷) نتایج آزمون برابری نسبت، و فقدان دریافت و امکان هزینه کردن

درآمد حاصل از دسترنج زنان روستایی مناطق

ارتباط عوامل	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری	منطقه‌ی مورد مطالعه
دریافت نکردن درآمد حاصل از اشتغال	۰/۴۵	**	۳
	۰/۴۲	ns	۲
	۰/۵۲	**	۱
فقدان امکان هزینه کردن درآمد به‌صورت مستقل	%۶۳	**	۳
	%۶۴	**	۲
	%۵۹	*	۱

۱، ۲ و ۳، به‌ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه‌ی جلگه‌ای و منطقه‌ی کویری. * و ** معنادار در سطح ۱ درصد و ۵ درصد و ns غیر معنادار.

مشاهده‌های نانا فابا در کامرون و خانی، حمزه‌لو، شادی‌طلب و امینی و رضانی در ایران نیز هم‌سو با این دستاورد پژوهشی مؤید این واقعیت است که بخشی قابل توجه از زنان روستایی درآمد حاصل از کار خود را دریافت نمی‌کنند و نقشی اساسی در تصمیم‌گیری‌ها و چگونگی مصرف درآمد حاصل از دسترنج خویش ندارند.

از دیگر انتظارهای نظری این تحقیق، مطالعه و شناخت ارتباط بین سهم دریافتی از درآمد و اثر آن بر خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی است که در قالب سومین فرضیه‌ی پژوهش یعنی «بین سهم دریافتی زنان از اشتغال اقتصادی شان و استقلال آن‌ها در هزینه کردن درآمدشان ارتباطی معنادار وجود دارد»، مطرح شده است. این فرضیه با استفاده از آزمون استقلال متغیرها و با آماره‌های گاما و تاوا برای فعالیت اصلی زنان سنجیده شد. بر اساس داده‌های جدول ۸، مقدار آماره‌ی آزمون ضریب گاما و تاوا-کندال به ترتیب برابر ۰/۷۱۵ و ۰/۶۴۵، با سطح معناداری (۰/۰۰۰)، بیان‌گر آن است که در مجموع دو منطقه و در هر یک از آن‌ها، بین سهم دریافتی از درآمد و میزان استقلال در هزینه کردن درآمد ارتباط وجود دارد. از آن‌جا که در هر دو آزمون انجام‌شده، جهت ارتباط مثبت است، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سهم متغیر درآمد دریافتی، استقلال در هزینه کردن درآمد توسط زنان نیز به‌شدت افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و مقدار آماره‌ها (۰/۷۴۱ و ۰/۸۰۵) این گمانه در منطقه‌ی کویری با شدتی بیشتر تأیید می‌شود. بدیهی است که در منطقه‌ی جلگه‌ای و با اطمینان ۹۹ درصد، تحقق انتظار نظری این پژوهش نیز اثبات می‌شود. با توجه به نتایج آزمون‌ها، مقدار آماره‌ها و سطوح معناداری، در مجموع دو منطقه و نیز در منطقه‌ی جلگه‌ای برای زنان روستایی دارای دو فعالیت اقتصادی، ارتباط مثبت بین سهم دریافتی از درآمد شغل دوم و میزان استقلال در هزینه کردن درآمدشان محقق می‌شود، اما در منطقه‌ی کویری چنان‌که داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد، ارتباطی معنادار بین آزمودنی‌ها وجود ندارد.

جدول (۸) نتایج آزمون استقلال بین متغیرهای سهم دریافتی و استقلال در هزینه کردن درآمد

مناطق	مقادیر آماره‌ها		سطح معناداری آزمون	ارتباط بین متغیرها رتبه‌ای-رتبه‌ای
	Kendal I C	Gamma		
۳	۰/۶۴۵	۰/۷۱۵	* /۰۰۰	سهم دریافتی درآمد از فعالیت ۱
۲	۰/۶۵۱	۰/۷۱۵	* /۰۰۰	
۱	۰/۷۴۱	۰/۸۰۵	* /۰۰۰	
۳	۰/۳۵۸	۰/۴۸۶	* /۰۰۵	سهم دریافتی درآمد از فعالیت ۲
۲	/۱۵۶	۰/۴۸۱	** /۰۰۶	
۱	۰/۲۰۰	۰/۴۱۹	ns /۱۵۶	

۳، ۲ و ۱ به ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه جلگه‌ای و منطقه کویری. *، **، °، معنادار در سطح ۱ درصد، ۱۰ درصد و ns غیرمعنادار.

این دستاورد پژوهش، با حاصل مطالعه‌های امینی و رضانی در ارتباط با اثر درآمد زنان روستایی بر میزان استقلال‌شان در هزینه کردن درآمد خویش کاملاً هم‌سویی دارد. جایارامان نیز نشان می‌دهد زنانی که از درآمدی نسبتاً خوب برخوردارند، بر همسر خود نفوذ و قدرتی بیشتر و در تقسیم مخارج نقشی افزون‌تر دارند. از

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۲۳

آنجا که پژوهش‌گرانی مانند خانی که دسترسی به درآمد را در ایفای نقش زنان در تصمیم‌گیری‌ها اثرگذار تلقی کرده است یا ارجلو که اثر درآمد را بر تعیین سطح آگاهی‌های زنان روستایی از حقوق خویش کلیدی ارزیابی می‌کند، می‌توانیم بر این دستاورد علمی پژوهش با اطمینان تاکید داشته باشیم که داشتن درآمد از جمله عوامل اقتصادی کلیدی تأثیرگذار بر خوداتکایی اقتصادی و عاملیت زنان در سطوح تصمیم‌گیری است.

چهارمین فرضیه‌ی این پژوهش به‌وجود «تفاوتی معنادار در برخورداری از استقلال در هزینه کردن درآمد، بین زنان روستایی شاغل در خارج از خانه، با زنانی که به فعالیت‌های اقتصادی در درون خانه اشتغال دارند» قابل است. مقدار ضرایب گاما و تاووسی کندال و سطح معناداری آن‌ها برای سنجش روابط میان متغیرهای مورد نظر در جدول ۹ نشان داده شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های فوق انتظار اثبات این فرضیه را در مجموع دو منطقه و در منطقه کویری در سطح اطمینان ۹۹ درصد، و برای منطقه‌ی جلگه‌ای در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار نشان می‌دهد. چنان‌که داده‌های جدول ۱۲ نشان می‌دهد، بین اشتغال خارج از خانه و میزان خوداتکایی زنان ارتباط معنادار وجود دارد. به‌عبارت دیگر، توزیع پراکندگی متغیر وابسته در متغیر مستقل یکسان نیست و اختلافی معنادار میان آن‌ها وجود دارد.

جدول (۹) نتایج آزمون استقلال بین متغیر اشتغال در خارج خانه و متغیر استقلال در هزینه کردن درآمد

مناطق	مقادیر آماره‌ها		سطح معناداری آزمون	ارتباط بین متغیرها رتبه‌ای - رتبه‌ای
	Kendall C	Gamma		
۳	۰/۱۲۷	۰/۳۹۷	۰/۰۰۳*	اشتغال در خارج از خانه
۲	۰/۰۸۹	۰/۲۵۵	۰/۰۸۷**	
۱	۰/۳۰۶	۰/۸۱۳	۰/۰۰۱*	

۳، ۲ و ۱، به ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه‌ی جلگه‌ای و منطقه‌ی کویری. *، ** معنادار در سطح ۱ درصد و ۱۰ درصد.

اثبات نشدن وجود ارتباط بین این دو متغیر در سطح اطمینان ۹۹ و ۹۵ درصد برای منطقه‌ی جلگه‌ای را شاید بتوان متأثر از فراوانی نوع مشاغلی دانست که در این منطقه و در مقایسه با منطقه‌ی کویری وجود دارد. بیشتر این فعالیت‌ها (نظیر؛ خیاطی، گل‌دوزی و آرایش‌گری) در این منطقه در منزل انجام می‌شود و اجرت آن‌ها را زنان شخصاً دریافت می‌کنند. مقدار ضرایب گاما و تاووسی کندال در ارتباط با این دو متغیر برای کل جامعه (۰/۳۹۷ و ۰/۱۲۷) و منطقه‌ی جلگه‌ای (۰/۲۵۵ و ۰/۰۸۹) - که با توجه به سطح معناداری‌شان نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ای ضعیف بین آن‌ها در مجموع دو منطقه و در منطقه‌ی جلگه‌ای است - نیز می‌تواند متأثر از همین واقعیت باشد. رابطه‌ی معنادار مثبت و مستقیم که با توجه به مقدار ضرایب و سطح معنی‌داری بین

این دو متغیر که در منطقه کویری وجود دارد نیز می‌تواند بیان‌گر این باشد که با اشتغال زنان در خارج از خانه در این منطقه، استقلال آن‌ها در کسب درآمد افزایش یافته است و بر خوداتکایی‌شان افزوده می‌شود. نتایج پژوهش حمزه‌لو نیز مؤید این است که انگیزه‌های بسیار بالای زنان روستایی جهت حضور جدی‌تر در عرصه‌های تصمیم‌گیری، با امکان اشتغال به کار دست‌مزدی آن‌ها در خارج از خانه رابطه‌ی مستقیم دارد و زنانی که با کار خارج از خانه تأمین‌کننده‌ی مخارج زندگی هستند، در تصمیم‌گیری‌های خانوار نقش بیشتری دارند. افزون بر این، یافته‌های این پژوهش در مورد اشتغال در خارج از خانه و هم‌سویی نتایج آن با دستاوردهای مطالعاتی، کردی، وارثی و همکاران مؤید این است که اشتغال زنان در خارج از خانه در هر سطحی که باشد، مزایایی را در سطوح تصمیم‌گیری و مشارکت برای زنان به‌ارمغان خواهد داشت.

به‌منظور مطالعه‌ی ارزیابی اثر سه متغیر «کارفرما بودن»، «تعدد فعالیت» و «مزدبگیر بودن» بر متغیر «خوداتکایی زنان روستایی»، گمانه‌ی پنجم پژوهش مبنی بر «کارفرما بودن، تعدد فعالیت اقتصادی و مزدبگیر بودن زنان روستایی رابطه‌ای معنادار با استقلال آن‌ها در هزینه کردن درآمدهای‌شان دارد»، تدوین شد.

نتایج یافته‌های حاصل از آزمون این فرضیه، مؤثر بودن موضوع کارفرمایی زنان روستایی را بر درجه‌ی استقلال آن‌ها در هزینه کردن درآمدهای‌شان به‌اثبات می‌رساند. با توجه به مقدار ضرایب گاما و تاووسی کندال به‌دست‌آمده، برای کل جامعه‌ی آماری (۰/۶۰۱ و ۰/۳۱۵)، برای منطقه‌ی جلگه‌ای (۰/۵۸۵ و ۰/۳۰۷) و برای منطقه‌ی کویری (۰/۶۷۰ و ۰/۳۲۲)؛ و نیز سطوح معناداری محاسبه‌شده در هر سه منطقه ($\text{Sig} = 0/000$)، این واقعیت را تأیید می‌کند که بین متغیرها رابطه‌ای کاملاً معنادار، مثبت و مستقیم وجود دارد (جدول ۱۰).

در این ارتباط باوم خاطر نشان می‌سازد زمانی که امتیاز وارد کردن روغن نارگیل از سریلانکا به زنان بنگلادشی داده و سرمایه‌ی لازم برای فعالیت آن‌ها فراهم شد و آن‌ها بر کار خود نظارت یافتند، باعث شکایت و مخالفت سرسخت خویشاوندان مرد آن‌ها شد که این می‌تواند نشان از خوداتکایی و استقلال آن‌ها داشته باشد (باوم، ۱۹۷۴: ۲۹). همچنین یافته‌های پژوهشی یعقوبی از نظر تأثیر اعتبارات بر تثبیت شغل و بهبود منزلت زنان روستایی، در راستای ارتباط مستقیم بین کارفرما بودن و خوداتکایی زنان روستایی است.

در مجموع می‌توان بر اهمیت فراوان ایجاد شرایطی تأکید کرد که در همه حال واگذاری اختیارات بیشتر به زنان و نیز فراهم کردن شرایط ورود زنان را در عرصه‌های کارفرمایی و خوداشتغالی تسهیل کند.

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۱۰، نتایج آزمون مؤثر بودن تعدد فعالیت، در میزان استقلال در هزینه‌کردن درآمد در منطقه‌ی کویری، نشان می‌دهد که با توجه به مقادیر آماره‌ی آزمون، ضرایب گاما و

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۲۵

تاوسی‌کندال به‌دست‌آمده (۰/۳۶۷- و ۰/۱۸۶-) و با توجه به سطح معناداری محاسبه‌شده (۰/۰۵)، رابطه‌ای معنادار و با شدتی متوسط تا ضعیف و با جهت منفی بین متغیرها وجود دارد. همچنین ارتباط بین متغیرها در مجموع دو منطقه، با توجه به سطح معناداری (۰/۰۷۲) در فاصله‌ی اطمینان ۹۰ درصد معنادار است. مقدار ضرایب به‌دست‌آمده (۰/۱۶۲- و ۰/۰۸۰-) نیز مبین ارتباط ضعیف بین متغیرهاست، اما نتایج آزمون برای آزمودنی‌ها در منطقه‌ی جلگه‌ای، با توجه به مقدار ضرایب گاما و تاوسی‌کندال که به‌ترتیب برابر با ۰/۰۷۳- و ۰/۰۳۶- و سطح معناداری ۰/۵۶ است، بیان‌گر این واقعیت است که بین تعدد فعالیت بانوان روستایی و میزان استقلال آن‌ها در هزینه کردن درآمدها ارتباطی معنی‌دار مشاهده نمی‌شود. اما فقدان چنین رابطه‌ای برای منطقه‌ی جلگه‌ای می‌تواند متأثر از تحولات اقتصادی-اجتماعی رخ داده در سال‌های اخیر در این منطقه و همچنین ناشی از نوع مشاغل زنان یا مشاغل همسران آن‌ها تلقی شود. در مجموع می‌توان به این نتیجه دست یافت که در کل منطقه‌ی پژوهش و در منطقه کویری آن، ارتباطی معنی‌دار و منفی بین تعدد فعالیت و میزان استقلال در هزینه کردن درآمد تأیید می‌شود، زیرا زنان چندفعالیتی، استقلال کمی نسبت به زنان شاغل در یک فعالیت اقتصادی دارند. نتایج پژوهش امینی و رضایی نیز مؤید چنین واقعیتی، البته با شدت بسیار بیشتر است.

جدول (۱۰) نتایج آزمون استقلال متغیرهای کارفرما بودن، مزدبگیر بودن و تعدد فعالیت با متغیر استقلال در هزینه کردن درآمد

مناطق	مقادیر آماره‌ها		سطح معناداری آزمون	ارتباط بین متغیرها رتبه‌ای - رتبه‌ای
	Kendal I C	Gamma		
۳	۰/۳۱۵	۰/۶۰۱	۰/۰۰۰°	کارفرما بودن
۲	۰/۳۰۷	۰/۵۸۵	۰/۰۰۰°	
۱	۰/۳۲۲	۰/۶۷۰	۰/۰۰۱°	
۳	-/۴۰۱	-/۵۴۱	۰/۰۰۰°	مزدبگیر بودن
۲	-/۴۲۱	-/۵۶۰	۰/۰۰۰°	
۱	-/۳۶۱	-/۵۰۱	۰/۰۰۰°	
۳	-/۰۸۰	-/۰۱۶۲	۰/۰۷۲**	تعدد فعالیت
۲	-/۰۳۶	-/۰۰۷۳	۰/۵۶ ^{NS}	
۱	-/۰۱۸۶	-/۰۳۶۷	۰/۰۰۵°	

۱، ۲ و ۳، به ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه‌ی جلگه‌ای و منطقه‌ی کویری. ° و ** معنادار در سطح ۱ درصد و ۱۰ درصد و ^{NS} غیرمعنی‌دار.

همچنین در ارزیابی چگونگی اثر مزدبگیر بودن در استقلال زنان روستایی، در هزینه کردن درآمدها، توجه به مقدار آماره‌های گاما و تاوسی‌کندال، که در مجموع دو منطقه به‌ترتیب برابر با ۰/۵۴۱- و ۰/۴۰۱-

در منطقه‌ی جلگه‌ای برابر با ۰/۵۶۰- و ۰/۴۲۱- و در منطقه‌ی کویری برابر با ۰/۵۰۱- و ۰/۳۶۱- با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است، نشان می‌دهد که بین مزدبگیری و سطح استقلال زنان روستایی در هزینه‌کردن درآمدشان ارتباط منفی وجود دارد، یعنی با افزایش میزان مزدبگیری از میزان استقلال زنان در هزینه‌کردن درآمدهای‌شان کاسته می‌شود. نتایج تحقیق سعدی و عرب‌مازار نیز در ارتباط با محدود بودن استقلال مالی زنان روستایی مورد مطالعه‌شان -به‌علت پایین بودن مبلغ تسهیلات و فقدان امکان سرمایه‌گذاری- که به‌نوعی بیان‌گر راه‌اندازی نکردن مشاغل در عرصه‌های کارفرمایی است، این بخش از فرضیه‌ی پنجم پژوهش را اثبات می‌کند.

فرضیه‌ی آخر این پژوهش بر این دلالت دارد که «زنان روستایی که اختیار پس‌انداز درآمد خود را دارند، در مقایسه با زنان فاقد این برخورداری، استقلالی بیشتر در هزینه‌کردن درآمدهای‌شان دارند». بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون این فرضیه، مندرج در جدول ۱۱، ضرایب گاما و تاوسی کندانال به‌دست‌آمده برای کل منطقه (۰/۶۰۶ و ۰/۴۲۸)، برای منطقه‌ی جلگه‌ای (۰/۵۶۳ و ۰/۴۱۸) و برای منطقه‌ی کویری (۰/۶۵۶ و ۰/۴۳۶) و با سطوح معناداری برای هر سه منطقه (Sig=۰/۰۰۰)، بیان‌گر رابطه‌ی معنادار، مثبت و مستقیم بین متغیر وابسته و این متغیر مستقل پژوهش است. بنابراین به‌این نتیجه‌ی روشن می‌رسیم که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معناداری، هرچه اختیار زنان روستایی در پس‌انداز کردن بیشتر شود، استقلال آن‌ها در هزینه‌کردن درآمدشان افزایش می‌یابد.

جدول (۱۱) نتایج آزمون استقلال بین متغیر امکان پس‌انداز و متغیر استقلال در هزینه‌کردن درآمد

مناطق	مقادیر آماره‌ها		سطح معناداری آزمون	ارتباط بین متغیرها رتبه‌ای - رتبه‌ای
	Kendall C	Gamma		
۳	۰/۴۲۸	۰/۶۰۶	./...*	امکان پس‌انداز
۲	۰/۴۱۸	۰/۵۶۳	./...*	
۱	۰/۴۳۶	۰/۶۵۶	./...*	

۳، ۲ و ۱ به ترتیب مجموع دو منطقه، منطقه‌ی جلگه‌ای و منطقه‌ی کویری. * معنادار در سطح ۱ درصد.

طالبی‌فر نیز در تحقیق خود به‌این واقعیت رسیده است که پس‌انداز زنان سبب خوداتکایی آن‌ها در درون خانوار می‌شود. هرچند که در نظر شادی‌طلب، زن روستایی با فرهنگ پس‌انداز آشناست، ولی هنوز فاصله‌ی چشمگیر بین این روحیه و شناخت با رفتاری که از سپرده‌گذاران وجود دارد به‌چشم می‌خورد. اما در پژوهش حاضر، اختیار پس‌انداز درآمد به‌خصوص در مورد زنان کارفرما و دارای مشاغل دست‌مزدی قابل

توجه است و هرچه امکان پس‌انداز درآمد بیشتر باشد، امکان هزینه کردن درآمدها نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های مرکز تحقیقات بانک کشاورزی، به‌نقل از شادی‌طلب نیز به‌نوعی تأییدکننده‌ی این بخش از نتایج پژوهش حاضر است. تأکید خانی نیز به افزایش مشارکت زنان روستایی به‌واسطه‌ی دسترسی آن‌ها به درآمد و پس‌انداز، در جهت تأیید این دستاورد پژوهش است.

نتیجه‌گیری

مطالعه‌های گوناگون انجام‌شده و دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود ارزش و اعتباری که کار و فعالیت زنان روستایی در اقتصاد روستا دارد، در سطوح تصمیم‌گیری و از منظر اجتماعی، این نیمی از واقعیت روستاهای این پهن‌دشت، نقشی هم‌سنگ و متناسب با ارزش نقش اقتصادی‌شان ندارند. اهمیت درخور فعالیت‌های اقتصادی زنان در سطح روستاهای ایران‌زمین برای اهل نظر واقعیتی اثبات شده است، اما به‌نظر می‌رسد که در مجموع، کار اقتصادی آن‌ها ره‌آوردی قابل‌توجه در افزایش استقلال و افزایش خوداتکایی آن‌ها نداشته باشد. با وجود این، دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوتی کاملاً معنادار به‌لحاظ درجه‌ی اختیار در هزینه کردن درآمد، بین سرفصل‌های مختلف هزینه‌ای برای زنان روستایی حوزه‌ی پژوهش وجود دارد. با افزایش سهم متغیرهای «سهم دریافتی از درآمد»، «فعالیت‌های کارفرمایی»، «اشتغال در خارج از خانه» و «امکان پس‌انداز» بر میزان خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی پهنه‌ی پژوهش افزوده می‌شود و در مقابل «تعددفعالیّت» و «مزدبگیر بودن»، بر خوداتکایی آن‌ها اثر منفی به‌جای گذارده است. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که در نخستین گام و برای اطمینان از یکسانی نتایج، تحقیقاتی مشابه در سراسر کشور، با بوم‌ها و آداب و سنن گوناگون، انجام شود. در صورت تأیید دستاوردها، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های علمی لازم برای آگاهی از چگونگی رفع موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در راه فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی و خوداتکایی آن‌ها در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انجام شود. آن‌گاه برای آگاهی از ظرفیت‌های بالقوه و چگونگی تبدیل آن‌ها به بالفعل، لازم است از طریق امکان‌سنجی‌های علمی، برای برپائی مشاغل مولد درآمدزایی که زنان روستایی را در موقعیت کارفرمایی قرار می‌دهد و عوامل تولید را به تملک‌شان در آورد، بسترهای مورد نیاز فراهم شود. بدیهی است که پیشنهادهایی در ارتباط با توان‌مندسازی زنان روستایی از طریق آموزش و آگاه‌سازی آن‌ها از حقوق مدنی خویش و نظایر آن نیز می‌تواند مورد نظر نگارندگان این نوشتار و از زمره پیشنهادهای این پژوهش در سطح کلان باشد. اما با اعتقاد به این‌که موضوع

زنان روستایی و نقش اجتماعی آن‌ها به سامان نخواهد شد- مگر در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ای که در آن موضوع توسعه روستایی از منظری علمی جای‌گاه واقعی خود را بیابد- از طرح چنین پیشنهادهایی صرف‌نظر می‌کنیم و چشم‌به‌راه تحقق آن‌ها در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی ملی می‌نشینیم.

منابع

- ارجلو، صغرا (۱۳۸۴) «ارزیابی آگاهی زنان روستایی شهرستان اصفهان از حقوق خویش، عوامل مؤثر در آن و تأثیر این آگاهی در مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، صص ۱۲۳-۱۱۹.
- امینی، امیر مظفر و محمدعلی احمدی شاپورآبادی (۱۳۸۶) «اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آن‌ها»، مطالعات زنان، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۹۱-۶۵.
- امینی، امیرمظفر و مسعود رضائی (۱۳۷۹)، «اشتغال زنان روستایی، درآمد و اثر آن در خوداتکایی آن‌ها»، همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، صص ۱۱۳-۱۰۱.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پژوهشکده زنان (۱۳۸۱)، نظریه‌های سیاستگذاری در برنامه‌ریزی‌های جنسیتی، مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- حمزه‌لو، بهروز (۱۳۸۱) «بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، شهرستان خمین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، صص ۱۵۳-۱۵۱.
- خانی، فضیله (۱۳۸۳) «پی‌آمد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی»، مطالعات زنان، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۷۶-۱۴۹.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونسف (۱۳۷۶)، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، صص ۴۴-۴۳.
- فرشادفر. عزت‌الله (۱۳۷۹) اصول و روش‌های آماری، کرمانشاه: انتشارات طاق‌بستان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان (۱۳۸۰) نگاهی به شهرستان‌های برخوار و میمه و جلگه‌ای.
- ساعی، علی (۱۳۷۷) آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم افزار SPSS+PC در پژوهش‌های اجتماعی، تهران: نشر جهاد.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶) سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، شناسنامه دهستان‌های کشور، استان اصفهان.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱) «توسعه و چالش‌های زنان ایران»، انتشارات، تهران: نشر قطره.

خوداتکایی زنان روستایی و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن ۲۹

- سن، آمارتیا (۱۹۹۹) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه احمد موثقی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- طالبی فر، علی محمد (۱۳۸۰) «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان، شهرستان قاینات»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- کردی، حسین (۱۳۸۱) نگرش زنان نسبت به مشارکت اجتماعی در استان گلستان (مطالعه موردی شهرستان کردکوی)، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۸۰-۱۷۹، صص ۲۳۷-۲۳۱.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، جهانگیر جهانگیری و بیژن خواجه‌نوری (۱۳۸۴) «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۲۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سالنامه آماری کشور، تهران: دفتر اطلاع رسانی و پایگاه اطلاعات آماری،
- مهربانیان، الهه و سعیده مؤذنی (۱۳۸۶) «نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی آسیا)»، دو ماهنامه جهاد، سال ۷، صص ۱۵۵-۱۲۵.
- واری، حمیدرضا، حسن حسینی‌ابری و علیرضا شاه‌آبادی (۱۳۸۵) «بررسی نیازها و اولویت‌های جامعه روستایی از نظر زنان روستایی استان یزد»، مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ششم، شماره ۱، صص ۱۴۸-۱۲۱.
- Cochran, W.G** (1976) *Sampling Techniques*, Newyork, Jahn willy , sons.
- Jayaraman, R** (1979) "Cast continuities in Ceylon, A study of the Social Structure of three tea plantations ", Bombay popular prakaslan, p134.
- Linden, Baum, S** (1974) *Social and Economic Status of Women in Bangladesh*, Dacca, p29.
- Nana-Fabu, Stella** (2006) "An Analysis of Economic Status of Women in Cameroon", *Journal of International Women;s Studies*, Vol. 8 # 1 November 2006 ,p148-162. UNDP,
- Human development report 2007, (<http://www.undp.org>).